



فهرست مطالب

۳	مقدمه.....
۳	نوشتن خاطرات جهادی، چه فایده ای دارد؟.....
۵	ایده های ثبت خاطره.....
۱۱	مجری طرح خاطرات بداند که.....
۱۱	شما به عنوان نویسنده خاطرات در نظر داشته باشید.....
۱۵	کارگاه آموزش مبانی خاطره نویسی در ده دقیقه.....
۱۵	خاطره چیست؟.....
۱۵	ویژگی های ساختاری خاطره.....
۱۸	فرآیند خاطره نویسی.....
۱۹	زبان متناسب با خاطره چه نوع زبانی است؟.....
۲۱	انواع خاطره.....
۲۱	الف - خاطره جزئی نگر.....
۲۲	ب - خاطره کلی نگر.....
۲۳	نوع راوی خاطره.....
۲۳	الف - سهیم در ماجرا.....
۲۳	ب - ناظر ماجرا.....
۲۳	راهنمای عملی خاطره نویسی.....
۲۴	الف - سوژه.....
۲۴	ب - راوی.....
۲۴	ج - نوع خاطره.....
۲۴	د - آغاز خاطره.....
۲۵	شروع به کمک عبارت های کلیشه ای.....
۲۶	تفاوت خاطره و گزارش.....
۲۸	پیوست ۱: وبلاگ ها و وب سایت ها.....
۳۰	پیوست ۲: کتاب های خاطرات جهادی.....
۳۳	منابع و مأخذ.....



مقدمه

نمی‌دونم چرا جهادی‌ها کمتر میل به نوشتن دارند؟! قاعدتا وقتی امری چنین عظیم و گسترده، حداقل در چند سال اخیر، در حال وقوع است باید در فضاهای مختلف واقعی و مجازی در حد معمول و معقول با نوشته‌هایی برخورد کنیم، اما اینطور نیست! ضربه نوشتن مان را هم جهادی‌ها خورده‌اند هم جهادی.

در جواب این سوال که چرا جهادی رفته‌ها کمتر می‌نویسند و وقتی هم از آنها درخواست می‌شود در این باره چیزی بنویسند چندان رغبتی ندارد، به ذهن پاسخ‌هایی متبادر می‌شود: جهادی چیزی برای نوشتن ندارد و یا آنچه از جهادی برای ما می‌ماند نوشتنی نیست. یا جهادی‌ها بیشتر اهل دل‌اند تا اهل قلم. چیزی نمی‌نویسند از این رو که خوش ندارند آنچه از جهادی دریافت کرده‌اند هویدا و همگانی شود.

شاید همه اینها باشد و شاید هم نباشد. بررسی اینکه چرا انعکاس جهادی از سوی جهادگران به مقدار معقول نیست فرصتی دیگر می‌طلبد. لیکن راه حل سهل‌الوصولی که به ذهن می‌رسد اینکه شروع به نوشتن کنیم. و اهل قلم و فرهنگ را به جهادی ترغیب کنیم تا بالاخره منحصر و مختصراً در متن‌هایشان اشاراتی درباره جهادی بیابیم. این اولین و ساده‌ترین راه حل است.

در نتیجه از این سفر شروع می‌کنیم!

تو مدتی که تصمیم به جمع‌آوری مکتوبات جهادی گرفتیم، از گوشه و کنار به خاطرات، دلنوشته، یا حتی اشعاری در مدح و ثنای جهادی! برخوردیم، اما این مکتوبات نسبت به فعالیت‌هایی که انجام شده خیلی کم هست. کمتر گروه‌هایی خاطرات شون رو نوشتن، و خیلی کمتر هستن گروه‌هایی که برای نوشتن برنامه دارند.

یعنی اینگونه نبوده که از قبل بخواهند که بنویسند، بلکه بر حسب اتفاق یکی از افراد گروه خاطراتش رو نوشته. این موضوع رو از تعداد کتاب‌های محدود در این زمینه هم میتوان فهمید.

لذا تصمیم گرفتیم که این نکته رو یادآور بشیم که زنده نگه داشتن جهادی کمتر از جهادی رفتن نیست!

نوشتن خاطرات جهادی، چه فایده‌ای دارد؟

نوشتن خاطرات، یا ثبت وقایع حرکت‌های جهادی میتونه فواید زیادی برای ما و گروه مون داشته باشه:

۱. معرفی جهادی:

سختی‌ها شیرینی‌های همزمان اردو جذابیتی داره که ما در بهترین حالت تنها به گفتار شفاهی اون اقدام کردیم، نوشتن این لطایف میتونه در معرفی کامل اردوهای



جهادی به سایرین نقش مهمی رو ایفا کنه.

۲. راهی جدید برای ارتباط مستمر بین اعضا گروه:

یکی از معضلات اغلب گروه های جهادی ارتباط مستمر بین اعضا هست. معمولاً ارتباط صمیمی بچه های اردو به مدت زمان اردو محدود می‌شود. با جمع آوری و ثبت خاطرات اردو و طرح هایی که ان شاءالله در ادامه براتون مطرح می‌کنیم، میتونید ارتباط خوبی رو بین اعضای جهادی هر دوره بوجود بیارید. و لحظه های خوب جهادی رو در طول سال زنده نگه دارید.

۳. بهره‌گیری از تجربیات :

خاطره، یکی از بی تکلف ترین، عام ترین و صمیمانه ترین انواع نوشته است لذا ما در قالب خاطره میتونیم، بطور غیر مستقیم خیلی از نقاط ضعف و قوتی رو که تجربه کردیم همراه با راهکار اونها به اعضا آینده گروه یا گروه های دیگر منتقل کنیم.

۴. ثبت مسائل مهم اجتماعی از طریق انتشار خاطرات:

جدای از لحظات تلخ و شیرین داخل اردو، گروه های جهادی شاهد فضاهایی هستن که خیلی از مردم و مدیران ما تجربه نکردن، نوشتن از این فضاها و توصیف شرایط مردم شاید قدمی باشه در راستای معرفی مردم مناطقی که جایی حرفی ازشون زده نمی‌شود.

۵. افزایش قدرت دیدن و شنیدن :

شخصی که تلاش می‌کند خاطره بنویسد، باید این توانایی را داشته باشد که بیشتر و دقیقتر از بقیه ببیند و بشنود تا بتواند خاطره را به گونه‌ای بنویسد که مخاطب آن احساس کند که خود، در آن فضا قرار گرفته است. در نتیجه به مسائل اطراف حساس تر شده و از محیطی که در آن قرار گرفته لذت بیشتری خواهد برد.

۶. ثبت بهترین لحظه‌های زندگی از طریق خاطره نویسی:

فارغ از هر نکته ای نوشتن خاطرات میتونه لحظات خوب ما رو ماندگار کنه، و با گذشت زمان و مرور خاطرات، میتونیم رشد مون رو شاهد باشیم.

۷. افزایش مهارت در نوشتن

خاطره نویسی بهترین شروع برای تقویت مهارت نوشتن است، مهارتی که نیاز امروز جامعه ما در زمینه های مختلف فرهنگی است.

برای ثبت لحظه های بی بدیل جهادی یه سری نکته ور اهکار از تجربیات گروه های قبل استخراج شده

که میتونه به شما ایده بدهد.



ایده های ثبت خاطره

برای ثبت خاطرات سفرتون از ایده های مختلفی میتونید استفاده کنید:

۱. دفتر خاطرات:

دفتری رو جهت ثبت خاطرات گروه تدارک ببینید. این دفتر میتونه یک دفتر برای گروه باشه یا اینکه در ابتدای اردو به هرکس دفترچه کوچکی داده بشود و در انتها جمع آوری بشود.

۲. برگه های ثبت خاطرات:

این ایده نیز مشابه دفتر خاطرات هست با این تفاوت که هر شب برگه ها جمع آوری می شوند و دست شما در طراحی اونها باز هست.

این برگه ها میتونن با جمله های زیر شروع بشوند تا :

- ✓ امروز بهترین روز اردو بود چون...
- ✓ شب اول...
- ✓ روز دوم...
- ✓ فقط ۵ روز مونده تا از این فضا جدا بشیم، پس....
- ✓ جهادی، جهادی است چون...
- ✓ مسئول تدارکات...
- ✓ مسئول اردو باید...
- ✓ امروز سر کلاس بودم که...
- ✓ یه نامه داری از شهر!

تو نامه نوشته :

- ✓ خیلی دوست داشتم پیام، اما نشد!
- ✓ برابیم از جهادی بگو...
- ✓ اگر برگردم، میگم جهادی ...
- ✓ امروز بچه های روستا...
- ✓ غذای اردو...
- ✓ شهر...
- ✓

۳. برد خاطرات:



از اونجایی که از مشکلات مبتلا به مردم روستا رعایت محرم نامحرم هست. طرح درس اونروز کلاس "محرم - نامحرم" بود.

شعر طرح درس رو برای بچه ها نوشتم و باهم خوندم و کلی هم خوشحال بودن. شعر این بود:

من دخترم گل به سرم / خوش سخن و خوش خبرم
 آنها که با من محرمند / یکی یکی نام میبرم
 باباجونم، بابا بزرگ / داداش جون مهربونم
 پسرهای خواهر من / پسرهای داداش جونم
 عموی خوب و خنده رو / دایی شاد و مهربان
 ...

بعد از خوندن شعر ازشون خواستم چنتا محرم و نامحرم رو مثال بزنن، بعد از چندتا مثال تو محارم رسیدن به برادر شیری.

گفتم: آفرین، درسته!

و داشتم توضیح میدادم در مورد اینکه برادر شیری یعنی چی؟!

گفتم: یعنی خواهر و برادری که مادرشون یکی نیست ولی باهم شیر خوردن.

یکی از بچه ها دستش رو بلند کرد و گفت: خانم اجازه؟!

"پس اینجوری من یه عالمه خواهر و برادر شیری دارم"

تعجب کردم و پرسیدم: چطور مگه؟!؟!؟!

گفت: آخه ما کوچیک که بودیم هممون از یدونه بز شیر میخوردیم! :

نمیدونستم چیکار کنم حالا! نمیدونم تجربه کردید یانه!

ولی خیلی سخته بخواید تو همچین موقعیتی جلوی خودت رو بگیری و خیلی جدی ادامه بدی که :

نه! عزیزم منظورم شیر مادر هست....

گروه جهادی بی بال پریدن، دانشگاه علم و صنعت ایران



۶. خاطره‌ها رو به نوشتن محدود نکنید، مصاحبه، ضبط صدا، تکیه کلام‌ها و... رو هم دخیل کنید.
- ✓ اما به سمتی سوق بدید که اگر لازم شد بعدا برای افرادی که در اردو هم حاضر نبودن تعریف کنید قابل درک باشد.
 - ✓ از مستند ساز اردو استفاده بهینه کنید.
 - ✓ مستند ساز لزوماً یه نفر که دوره های آنچنانی گذرانده و مجهز به یک دوربین فیلم برداری... است نیست، بلکه کافیه یه نفر ذوق خوبی داشته باشه تو شکار سوژه‌ها و عکاسی.
 - ✓ سعی کنید از قالب های کلیشه ای که برای معرفی رسمی اردو های جهادی استفاده میشود بیرون بیاید و لحظه های ناب رو شکار کنید.
 - ✓ کافیه برخلاف گذشته بجای تنها عکس گرفتن، برای هر تصویر یه خط نوت بنویسید.





یکی از مشکلات بزرگ در جهادی پیدا کردن یه لنگه دمپایی، کفش و یا نفر بر هست که به اون یکی لنگه بخوره!

گروه جهادی مهاجر، کانون جهادی بسیج دانشجویی دانشگاه سمنان، احمد خیری

۷. برگزاری مسابقه :

برای همه ی موارد فوق میتوان از قالب مسابقه هم بهره گرفت. از ابتدای اردو مسابقه خاطره نویسی رو مطرح کنید و برای برترین‌ها جوایزی رو رو در نظر بگیرید.

- ✓ برترین‌ها میتواند شامل: نویسنده بهترین خاطره، بیشترین تعداد خاطره و...
- ✓ برگزیده ی خاطرات رو با امتیاز دادن به خاطرات توسط سایر شرکت کننده انتخاب کنید. این روش می‌تواند به بالا بردن مشارکت اعضا در خاطره نویسی کمک بسزایی کند.

۸. گفتگوی افراد تو جلسه ی معارفه و اختتامیه بویژه اردو اولی‌ها رو ثبت کنید. بعد از ثبت میتونید توضیحات مختصری در مورد ویژگی های گوینده هم بدید.



مجری طرح خاطرات بداند که..

- نکاتی که در حین ثبت خاطرات بهتر هست از طرف مجری طرح اجرا بشود:
۱. از ابتدای اردو به شرکت کننده‌ها این دید رو بدید که ریز بین باشن و به وقایع اطراف شون، جهت بخاطر سپردن لحظه‌ها، حساسیت نشان بدهند.
 ۲. کتاب‌های خاطرات موجود رو برای کتاب خونه گروه تون تهیه کنید، مطالعه ی این کتاب‌ها میتونه بهتون ایده بده تا چه نکته‌های ساده‌ای وجود داره که ثبت اون لحظات و نقل شون برای بقیه جالب توجه، حتی بعد اردو برای خود اعضا هم جذاب است.
 ۳. لیست کتاب‌های موجود در زمینه خاطرات جهادی در پیوست آورده شده.
 ۴. در زمان اردو از خاطرات و دست نوشته‌ها برای فضا سازی استفاده کنید تا باعث ترغیب اعضا اردو بشید و اثر نوشته‌ها شون رو در همون مدت هم ببینند.
 ۵. از مربی‌های گروه‌های فرهنگی بخواهید که لحظه‌های خاص کلاس، سوالهای جالب بچه‌ها، رفتار و... بخاطر بسپارن، اما بچه‌های عمرانی رو بیشتر با مصاحبه به چالش بکشید.
 ۶. برای جمع‌آوری خاطرات بچه‌ها رو مجبور نکنید، سعی کنید افراد رو تشویق به نوشتن کنید. همچنین برای درج اسم نویسنده اصرار نکنید.

شما به عنوان نویسنده خاطرات در نظر داشته باشید

۱. خلاقیت‌های بخرج داده شده در طی اردو سوژه‌های مناسبی برای خاطره هستند.
- مثال ۱

چایی نپتون به سبک جهادی!

میگم جهادی زندگی کردنه! قبول می کنید!

تو جهادی یدونه کتری بیشتر نداشتیم، علاوه بر اینکه یکی از منابع ذخیره ی آب مون بود، هم نقش کتری رو داشت و هم قوری، مجبور بودیم تو همون هم آب جوش بیارم و هم چایی دم کنیم. تازه موقع هایی که آبش تمیز بود باش وضو هم می‌گرفتیم.:

این خیلی بد نبود بدیش اینجا بود که چون کتری خیلی بزرگ بود واگر چایی رو میرختمیم توش، تو اون شرایط بی آبی، شستن تفاله چاییا کلی بدبختی داشت، دنبال یه راهی بودیم که چایی رو دم کنیم ولی شستن کتری ام سخت نباشه!

۲. رفتار اعضای اردو بویژه مسئولین و معاونت‌ها رو زیر نظر داشته باشید. مثال

پایمان که به خوابگاه رسید، همه ولو شدیم. خسته و هلاک و تشنه و گشنه. توی این شرایط فقط یک نفر می‌توانست حامیان را جا آورد: مسئول تدارکات. یک صورت گرد و تپلی، با چشم‌های باریک و موهای لخت. نیشش هم همیشه خدا باز.

رفت روی صندلی نشست. مسئول تدارکات که منبر برود، خدا به فریاد برسد:

بسم الله الرحمن الرحيم. خداوند متعال در نهج البلاغه می‌فرماید: النظافة من الايمان، یعنی عالم محضر خداست؛ در محضر خدا ازدواج کنید!

خنده بچه‌ها که با کنجکاوی حرف‌های او را گوش می‌کردند، بلند شد. منبرش را ادامه داد اما با یک بحث تفسیری جدی از قرآن. انصافاً هم بحث جالبی بود....

کتاب ماه غسل مجرد ها ، ص ۱۶

۳. از لحظه‌های معنوی ارو غافل نشید. (عهدها و قرارها، مراسم‌ها و هیات‌ها و...) مثال

درست وسط سالن امتحانات مدرسه که الان شده بود خوابگاه ما، حلقه زده بودیم و دستايمان را در هم گره کرده بودیم. محمد حسین شروع کرد به خواند پیمان نامه:

«آمده ایم برای خدمت به محرومین؛ آنان ولی نعمت مايند و ما منت شان را به جان می‌خریم. پیمان میندیم که با تمام توان ناتوايمان، صبور و زحمت کش و فرمان پذیر باشیم... و ما آمده ایم و آماده ایم.»

از همان موقع می‌شد فهمید که این یاران همدل، خاطرات قشنگی را رقم خواهند زد...

کتاب ماه غسل مجرد ها، ص ۱۹

۴. به دیالوگ‌های رد و بدل شده بین خودتون و مردم روستا و سایر اعضای اردو دقت کنید.

۵. هرچند خودتون توی خاطره هستيد، نوشته رو از دید سوم شخص مفرد بنویسید، چون میتونه کمک کنه که شما خودتون رو جای کسی بگذارید که تو حادثه نبوده و راحت تر همه ی جزئیات رو شرح بدید.

۶. از چاشنی طنز هم میتونید بهره بگیرید.

۷. جزئیات رو ثبت کنید، حتی اگر اون لحظه بنظرتون ضروری نیمايد.

۸. هیچ کدوم از نویسنده‌ها از ابتدا نویسنده ماهری نبودن، و کسی از شما توقع



کارگاه آموزش مبانی خاطره نویسی در ده دقیقه

خاطره چیست؟

آیا تاکنون خاطره‌ای را برای کسی نقل کرده‌اید؟

آیا تا به حال احساس کرده‌اید که دوستان خیلی بهتر از شما خاطراتش را نقل می‌کند؟
آیا آرزو کرده‌اید که بتوانید مثل او خاطره‌ای را که دوست دارید، برای دیگران بگویید یا بنویسید؟

آیا می‌دانید که او چگونه به این خوبی خاطراتش را نقل می‌کند؟

پاسخ این سؤال‌ها بسیار ساده است. او به این دلیل خوب خاطره می‌گوید که اولاً مفهوم خاطره را به عنوان یک نوشته مستقل و با هویت که ویژگی‌های مخصوصی دارد، فهمیده است؛ ثانیاً به اصول و قواعد خاطره‌گویی و خاطره‌نویسی، آگاهی و تسلطی نسبی پیدا کرده است. لذا اولین قدم در یادگیری شیوه خاطره‌نویسی، شناختن مفهوم «خاطره» است.

خاطره چیست؟

خاطره در فرهنگ‌های لغت مختلف کمابیش به این صورت تعریف شده است: خاطره، یکی از انواع ادبی و شکلی از نوشتار است که نویسنده در آن، خاطرات خود؛ یعنی، صحنه‌ها یا وقایعی را که در زندگی‌اش روی داده و در آنها نقش داشته یا شاهدشان بوده است، شرح می‌دهد.

خاطره نویسی یکی از عام‌ترین و صمیمانه‌ترین راه‌ها برای انتقال حس به وسیله نوشتن است و هر کس می‌تواند با رعایت اصولی ساده و قواعدی محدود، به ساده‌ترین شکل، اتفاقات مهم زندگی خود را ثبت کند و خاطرات تلخ و شیرین زندگی همچون پیروزی‌ها و شکست‌ها، تجربیات تکرار ناشدنی، حوادث مهم و عواطف و حساسات را ماندگار کند.

ویژگی‌های ساختاری خاطره

۱. صمیمت زبان:

یک خاطره باید طوری نوشته شده باشد که خواننده احساس کند نویسنده به آنچه می‌نویسد معتقد است و دروغ نمی‌گوید: همان طور که شما اتفاق مهمی را برای دوستان تعریف می‌کنید و از هیچ محدودیتی در این تعریف رنج نمی‌برید، بهتر است خاطره خود را نیز بی‌هیچ تکلفی و به گونه‌ای صمیمانه، بر کاغذ بیاورید. اما این نکته را نیز در نظر داشته باشید که:

بیان صمیمی و نبود محدودیت، به معنی بی‌توجهی به قواعد نگارش، غف کلام و حرمت قلم نیست.

۲. نثر خودمانی:

خاطره نویس، اجباری در رعایت کامل ارکان جمله ندارد و می‌تواند آنها را به صورت دلخواه



طلا باشد و به این خاطر همیشه در فکر و خیالم طلا وجود داشت.

آن روز توی کوچه قدم می‌زدم که پیرمرد کوچک اندامی را دیدم. پیرمرد نزدیک من آمد و گفت: «من یک جادوگرم و می‌خواهم تو را به بزرگترین آرزویت یعنی طلا برسانم. در ازای آن نیز تو از چیزهایی می‌خواهم که بعداً خواهم گفت. او این را گفت و در یک چشم به هم زدن غیبش زد.

قلیم بد جوری می‌زد. نفس عمیقی کشیدم. باورم نمی‌شد که این اتفاقات رویا و خیال نباشد...^۱

۱. کدام یک از این دو مثال می‌تواند قسمتی از یک خاطره باشد؟

۲. با توجه به این که در مثال یک ذهن‌گرایی وجود دارد (با خودم فکر کردم شاید سردش شده باشد) و در مثال دوم، هم ذهن‌گرایی و هم خیال پردازی، آیا می‌توان گفت که هیچ کدام از این دو مثال، خاطره نیست؟

۵. مشخص بودن زمان و مکان:

در یک خاطره، به خصوص خاطره تاریخی، بهتر است مکان و زمان مشخص باشد تا به این نحو، وضعیت اجتماعی آن دوره نیز تا حدی برای آیندگان روشن شود.

۶. روانی و روشنی:

نویسنده خاطره از آن جا که قصد ندارد فنون نگارشی و صنایع ادبی را در خاطره‌اش نمایش دهد، بهتر است خاطره را به گونه‌ای بنویسد که مخاطب به سادگی آن را بفهمد و در این مورد به زحمت نیفتد. او می‌تواند با ساده نوشتن و پرهیز از پیچاندن موضوع، خاطره را قابل فهم‌تر و اثر گذارتر نماید؛ حال آن که یک داستان نویس به سادگی می‌تواند داستانش را گنگ، مبهم و پیچیده بنویسد و حتی همین پیچیده نویسی سبب اعتبار یا زیبایی کار او شود.

۷. داشتن ابتدا و انتها:

نویسنده خاطره بهتر است که خاطراتش را از جایی مشخص که معمولاً شروع حادثه خاطره است، آغاز کند و هیچ یک از موضوعات مربوط به آن خاطره را از قلم نیندازد تا از به وجود آمدن سؤال‌های متعدد در ذهن خواننده جلوگیری نماید یا پاسخ آنها را بدهد.

نویسنده همچنین نباید خاطره را بدون رسیدن به نقطه پایانی و انتهای عقلانی رها سازد، مگر آن که از این کار مقصود خاصی داشته باشد. همچنین ادامه ندادن بی مورد خاطره پس از پایان یافتن حادثه اصلی، به زیبایی آن خاطره کمک می‌کند.

۸. خلاصه بودن:

در مدت زمانی که حادثه اصلی یک خاطره اتفاق می‌افتد، ممکن است چندین حادثه فرعی دیگر نیز روی دهد.

۱. - برداشتی آزاد، از کتاب «ماجراهای شاه میداس»، نوشته لارین ری‌دینکس

۲. آوردن فعل و فاعل‌های متناسب، مثلاً من رفتم، تو رفتی و ... به طور کلی رعایت نسبی ترتیب و توالی ارکان جمله.

۳. دادن اطلاعات کافی به خواننده:

در خاطره‌گفتاری، ممکن است گوینده برخی مطالب را فراموش کند و آنها را جای خود بیان نکند و بعد در انتهای گفتارش، آن موضوع را به یاد آورد و بیان کند یا در اثر تذکر مخاطبان، قسمت‌های جا مانده را تکمیل نماید. اما در خاطره‌نوشتاری خام چون نویسنده وقت کافی برای نوشتن دارد، می‌تواند اطلاعاتی را که درباره‌ی حادثه یا اتفاق خاص، کافی و لازم می‌داند، مرتب کند و همگی را به خواننده منتقل نماید.

ج - خاطره‌نوشتاری ادبی:

شکلی از بیان خاطره که بر طبق اصول و قواعد تدوین شده و جذابیت، زیبایی و اثر گذاری آن بیشتر از دو گونه‌ی قبل است. این نوع از خاطره معمولاً در اثر ویرایش و بازنویسی خاطره نوشتاری خام به دست می‌آید. امروزه عده‌ای که آگاه به این فن هستند، خاطرات نوشتاری خام را با نثر روان و رعایت اصول خاطره‌نویسی و نیز استفاده از علائم نگارشی، به خاطره‌نوشتاری ادبی تبدیل می‌کنند. از میان کتاب‌هایی که به این صورت چاپ شده‌اند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

پا به پای آفتاب / خاطرات زندگی امام خمینی (ره) از زبان دوستان و آشنایان امام / گردآوری و تدوین: امیررضا ستوده / ویراستاران: فهیمه حسین‌زاده، شهرام رجب‌زاده /

به رسم یادبود / خاطرات معلمان / به کوشش علی فرخ‌مهر / بازنویسی خاطره: کبری نیک‌خواه، علی آقاغفار، مهدی کاموس، و حسن یونسی.

ستاره‌ای که درخشید / خاطرات زندگی امام خمینی (ره) / به کوشش مرتضی نظری

خاطرات جنگ تحمیلی به روایت اسرای عراقی / به کوشش مرتضی سرهنگی.

زبان خاطره

در مبحث ویژگی‌های ساختاری خاطره، این موضوع را مطرح ساختیم که زبان خاطره باید صمیمانه باشد و از سوی دیگر، نویسنده‌ی خاطره، اجباری در رعایت کامل ارکان جمله ندارد و می‌تواند آنها را متناسب با نوع بیان جابه‌جا نماید؛ در عین حال که نباید کلمات را بشکند.

زبان متناسب با خاطره چه نوع زبانی است؟

همان طور که نقاش برای خلق نقاشی خود نیاز به شناسایی وسایل کارش دارد تا بتواند با آگاهی از چگونگی و نوع کاربرد هر یک، از آنها به خوبی استفاده کند، یک نویسنده نیز باید انواع زبان را بشناسد و زبانی متناسب برای نوشته‌ی خود بیابد.

زبان به طور کلی به دو بخش زبان گفتاری و زبان نوشتاری تقسیم می‌شود.

زبان گفتاری همان زبانی است که بوسیله‌ی آن با یکدیگر سخن می‌گوییم. زبان شناسان سه صورت برای این زبان قائل می‌شوند که عبارت است از: گونه، گویش و لهجه.



گونه می‌نویسیم که عموم مردم می‌گویند (با رعایت ویژگی‌های زبان معیار). پس زبان معیار از نظر سادگی باید به زبان گفتار نزدیک باشد. به مثال زیر توجه کنید.

نبودی خيروک، خان تيغ زبانش را کشیده بود و حرفهایی بلغور می‌کرد که پشیزی پیش من و تو ارزش نداشت. خیلی زود نگاهم رنگ باخت و قامت ستبر و فربه‌اش پیش نگاهم به گل نشست و شد همانی که باید باشد^۱

۴. جابه‌جایی ارکان جمله براساس نوع راوی و نحوه بیان: گفتیم که در زبان معیار ملزم و مقید به رعایت قواعد دستور زبان و ترتیب ارکان جمله نیستیم، اما این بدان معنی نیست که بتوانیم بدون سبب ارکان جمله را به هم بزنیم. برای مثال، اگر نویسنده بخواهد بر کلمه خاصی تأکید کند، آن را در ابتدای جمله می‌آورد. همچنین اگر اهداف زیر را داشته باشد، می‌تواند ارکان جمله را جابه‌جا کند:

۱- ایجاد لحن ۲ - تأکید ۳ - داشتن نوعی زبان مخصوص خود (با دلیل و منطق)
حشو و زواید درمبحث فرآیندهای تولید یک خاطره به طور کامل توضیح داده شده است. زبان معیار، زبان فرهنگی و ادبی مشترکی است که درس خوانندگان، روحانیان، سیاستمداران، دانشمندان، روزنامه‌نویسان و نویسندگان کتاب‌های درسی و علمی و فنی و تخصصی آن را به کار می‌برند و با آن می‌نویسند و ادای مقصود می‌کنند

انواع خاطره

الف - خاطره جزئی‌نگر

در برخی از خاطرات، نویسنده هنگامی که حادثه داستان را کمرنگ می‌بیند و آن را به تنهایی برای تأثیر گذار بودن، کافی نمی‌داند، به جزئیات و ریزه‌کاری‌های صحنه‌ای که حادثه در آن روی داده، توجه زیادی کرده، همه را با آب و تاب تعریف می‌کند. بدین ترتیب از سویی، فضای حادثه را زنده و واقعی‌تر نشان می‌دهد و آن را قابل لمس‌تر می‌کند و از سویی دیگر، فضای خالی حادثه را به کمک حوادث فرعی یا جزئیات صحنه‌ها پر می‌کند. اگر در انجام این کار، نویسنده از دقت و آگاهی لازم برخوردار نباشد و بی‌دلیل و ناشیانه به ریزه‌کاری‌ها بپردازد، حوصله مخاطب را سر خواهد برد و او عطای خاطره را به لقایش خواهد بخشید!

پس، فقط در صورتی به جزئیات صحنه بپردازید که این جزئیات بتوانند مخاطب را به فضای خاطره نزدیک‌تر ساخته، او را بیشتر جذب کنند.

مثال برای خاطره جزئی‌نگر

موجود عجیبی بود. فقط چند روز از سال تحصیلی ۷۷ - ۷۶ می‌گذشت که توجه مرا در کلاس جلب کرد. اسمش رضا بود. با کمی دقت می‌شد فهمید که رضا دانش آموزی با هوش و با استعداد است. اما این نکته هم خیلی زود به دست می‌آمد که او بی‌حوصله و وقت‌گذران هم هست. ظاهراً هم عجیب بود. چهره‌ای اخمو و گرفته داشت و معمولاً دست و صورتش

۱. - ریشه در اعماق / ابراهیم حسن بیگی



نوع راوی خاطره

الف - سهیم در ماجرا

نویسنده می‌تواند حادثه‌ای را که خود نقشی در آن داشته است، به عنوان خاطره ثبت کند. مثال:

یادم است که می‌خواستم جلوی درگاهی که امام کفشهایشان را درمی‌آوردند، روزنامه بیندازم، چون اکثر اوقات، بارندگی و زمینها خیس بود. همیشه هم از روزنامه‌های خارجی استفاده می‌کردیم.

روزی عده‌ای از ایران آمده بودند و روزنامه آورده بودند. در خانه روزنامه خارجی هم نبود. لذا من صفحه آگهی‌ها را روی زمین انداختم؛ و کفشهای امام را روی آن گذاشتم. ایشان وقتی خواستند کفش بپوشند، همین که پایشان را بلند کردند تا روی روزنامه‌ها بگذارند، سؤال کردند: «مثل این که این روزنامه‌ها ایرانی است؟»

عرض کردم: «بله حاج آقا، ولی این صفحه آگهی‌هاست.»

با این حال پایشان را روی روزنامه‌ها نگذاشتند و مجدداً برگشتند و فرمودند:

«شاید اسم محمد یا علی یا ... در آنها باشد.»

ستاره‌ای درخشید / خاطرات امام (ره) / به کوشش مرتضی نظری

ب - ناظر ماجرا

نویسنده خاطره ممکن است نقشی در اتفاق یا حادثه موضوع خاطره نداشته باشد و فقط شاهد آن بوده و چون از آن لذت برده است، سعی به نوشتن آن می‌کند. مثال:

زندگی آقا مثل زندگی معمول مردم بود و هیچ وقت هم زندگی فوق‌العاده‌ای نداشتند. به همین خاطر مطالعه ایشان خیلی زیاد بود. وقتی وارد اتاقشان می‌شدیم، می‌دیدیم توی کتاب گم شده‌اند. ایشان می‌نشستند و یک میز جلویشان بود و به بلندی متر کتاب دورشان بود و اصلاً ایشان لابلای این کتابها گم می‌شدند.

بعضی‌ها به شوخی می‌گفتند: «هنوز آقا از جایشان بلند نشده‌اند.»

وقتی دوستان می‌آمدند آقا را ببینند، همیشه توی آن اتاق بودند. فقط چای که می‌خواستند با قاشق توی نعلبکی به استکان چای می‌زدند که یعنی به من چای بدهید. موقع غذا هم بلند می‌شدند و می‌آمدند. ۱

راهنمای عملی خاطره نویسی

تمام مواردی که تاکنون گفته شد، فقط اصول و قواعدی برای شناختن خاطره و یافتن ذهنیتی کلی درباره آن بود. اما پس از یافتن این ذهنیت، نوبت به کار عملی و نوشتن خاطره می‌رسد. برای این کار باید به پرسش‌های زیر، پاسخ‌های مناسبی داد.



شروع به کمک عبارت‌های کلیشه‌ای

همیشه بین زمان تصمیم‌گیری برای نوشتن و زمان قلم به دست گرفتن، فاصله‌ای هست که باید سعی کنید آن را به حداقل برسانید. اگر این فاصله زمانی زیاد شود، سبب تنبلی، سستی اراده و دور افتادن از موضوع مورد نظر جهت نوشتن می‌شود. برای جلوگیری از این کار و کم کردن فاصله می‌توانید فعلاً از برخی عبارت‌های کلیشه‌ای برای شروع خاطره استفاده کنید تا به قول معروف «استارت کار زده شود» و مشکل شروع نوشتن را نداشته باشید.

عبارت‌هایی که می‌توانید برای شروع خاطره از آنها استفاده کنید، اینها هستند:

۱. استفاده از یک زمان: «صبح بود» یا «سال ۹۰ بود ...»
۲. استفاده از یک صحنه ساکن و سپس جان بخشیدن به آن: «من و مجید تو ایلام، لب آبشار نشسته بودیم که ...»
۳. استفاده از یک رویداد تاریخی: «تو جهادی امسال ...»
۴. استفاده از یک مقطع سنی تحصیلی: «سال اول دانشگاه بودم که برای اولین بار رفتم جهادی ...»
۵. استفاده از وضعیت هوا: «هوای کرمان خیلی گرمه» یا «هوا ابری بود»
۶. استفاده از یک مقدمه: «کار کردن در یک مدرسه مشکل است اما به انسان آرامش و رضایت خاطر می‌دهد. تو اون جهادی معلم یکی از مدارس بودم ...»
۷. استفاده از یک توضیح مختصر: «در سال‌های خیلی دور، مسئولیت اردو رو به عهده داشتم. یک روز از دروازه شهر جود راه افتادم که به سمت مدرسه ...» یا «ده روز بود که تو اردو بودیم. یک روز در اسکان ...»
۸. معرفی یک شخصیت: «او هم مهاجر بود. از مهاجرانی که به خاطر دلش آمده بود...» یا «موجود عجیبی بود. اسمش رضا بود ...»
۹. استفاده از یک اتفاق: «پارسال تو منطقه بودیم که یکی از اهالی روستا تصادف کرد ...»
۱۰. استفاده از مکان: «تو روستا بودیم که...»
۱۱. استفاده از یک توصیف یا صحنه‌پردازی: «بادی سرد زوزه‌کشان خودش را به پنجره کلاس می‌زد که به جای شیشه با مقوا بسته شده بود.»
۱۲. «یادش بخیر آن روزها ...» یا «عجب روزهایی بود»
۱۳. یادم می‌آید که ...
۱۴. هیچ وقت یادم نمی‌رود ...
۱۵. در خاطرم هست که ...



که در آنجا هر روز برایشان اتفاقات زیادی روی می‌داد؛ اتفاقاتی عجیب و تازه. و آنان می‌خواستند این حادثه‌ها و خاطرات را برای کسی تعریف کنند، اما برای چه کسی؟ برای همدیگر که نمی‌توانستند بیان کنند، چرا که بیشتر آنها خود از آن اتفاقات با خبر بودند و حتی نقشی در آن داشتند. پس فقط قلم و کاغذ می‌ماند که می‌توانست پایگاه خاطرات باشد؛ خاطراتی که پس از استقرار و حضور رزمندگان و درگیری با دشمن و آغاز زندگی در جنگ، اندک اندک به عنوان اولین نوع ارتباط و واکنش فرهنگی عام در میان رزمندگان ثبت شد و اکنون نیز یکی از منابع مهم ثبت شده دربارهٔ دفاع مقدس است.



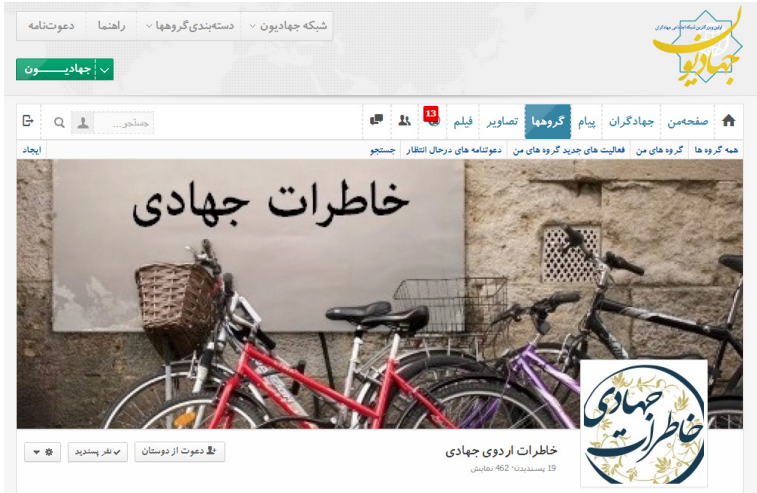
پیوست ۱: وبلاگ‌ها و سایت‌ها

لیست وبلاگ و وب سایت گروه‌هایی که خاطرات شون رو مکتوب کردند:

knt12-jahadi.blogfa.com	گروه جهادی دبیرستان خواجه نصیر
arman-group.blog.ir	گروه جهادی ارمان_دانشگاه مازیار
khademan.org	گروه جهادی خادمان
jahadibahonar.blogfa.com	قافله خاکی (گروه جهادی دانشگاه باهنر کرمان)
sbjahadi.ir	گروه جهادی لیبیک یا فاطمه الزهرا
yadejahadi.blogfa.com/	گروه جهادی محبین ائمه علیهم السلام
nadiyan.blogfa.com	گروه جهادی نادیان
varesane-zamin.blogfa.com	گروه جهادی وارثان زمین
parvaz-khaki.mihanblog.com	وبلاگ پرواز خاکی (دانشگاه علامه طباطبایی)
kapar.ir	جبهه جهادی منتظران خورشید
www.emobalegh.com	دفتر اعزام مبلغ دانشگاه امام صادق
www.jahadeammar.blogfa.com	گروه جهادی عمار
ahmadearam.blogfa.com	زندگی جهادی
jahadirahekarbala.ir	راه کربلا
life274.blogfa.com	ویتترین حیاتم
bahayevasl.persianblog.ir	بهای وصل
jahadioon.ir	شبکه اجتماعی جهادیون - گروه خاطرات جهادی

شما می‌توانید خاطرات خود را در وبلاگ یا سایت گروه جهادی خود و یا سایت‌های مرتبط بارگزاری کنید تا دیگران از این خاطرات بهره‌مند شود.

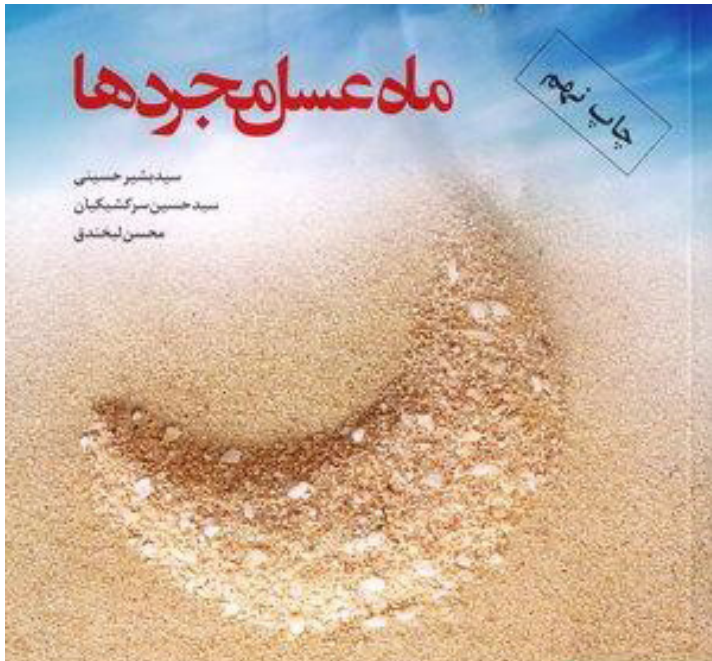
اما به طور خاص شبکه اجتماعی "جهادیون" فضای مناسبی برای بارگزاری خاطرات گروه هاست زیرا این شبکه به عنوان پاتوقی مجازی که همه گروه های جهادی سراسر کشور به آن دسترسی و عضویت دارند بزرگترین مخاطب جهادی را شامل می‌شود و بچه های جهادی می‌توانند روی خاطرات و مطالب شما نظر دهند.



پیوست ۲: کتاب های خاطرات جهادی

کتاب (۱): "ماه عسل مجردها"

کتاب "ماه عسل مجردها" در زمان انتشارش یک آغاز بود. آغازی بر ثبت خاطره های بی شمار جهادی که از سال نگارش این کتاب روز به روز افزایش می‌یافت و شاید به جرأت



بتوان گفت که تا به امروز هنوز هم مجموعه خاطراتی به این قوت تهیه نشده است.

خواندن این کتاب زیبا را به دو دسته پیشنهاد می‌کنیم:

اول: کسانی که در اردوهای جهادی شرکت کرده اند و می‌خواهند به یاد خاطرات خوش خود بیفتند.

دوم: کسانی که در اردوهای جهادی شرکت نکرده اند و می‌خواهند بدانند که داخل آن چه خبر است!

درست وسط سالن امتحانات مدرسه که الان شده بود خوابگاه ما، حلقه زده بودیم و دستانمان را در هم گره کرده بودیم. محمد حسین شروع کرد به خواند پیمان نامه:



«آمده ایم برای خدمت به محرومین؛ آنان ولی نعمت مایند و ما منت شان را به جان می‌خریم. پیمان می‌بندیم که با تمام توان ناتوانمان، صبور و زحمت کش و فرمان پذیر باشیم... و ما آمده ایم و آمده ایم.»

از همان موقع میشد فهمید که این یاران همدل، خاطرات قشنگی را رقم خواهند زد...

از متن کتاب، ص ۱۹

کتاب (۲): "سفر به جزیره ناشناخته"

به قلم: علیرضا عالمی / ۱۳۸۶

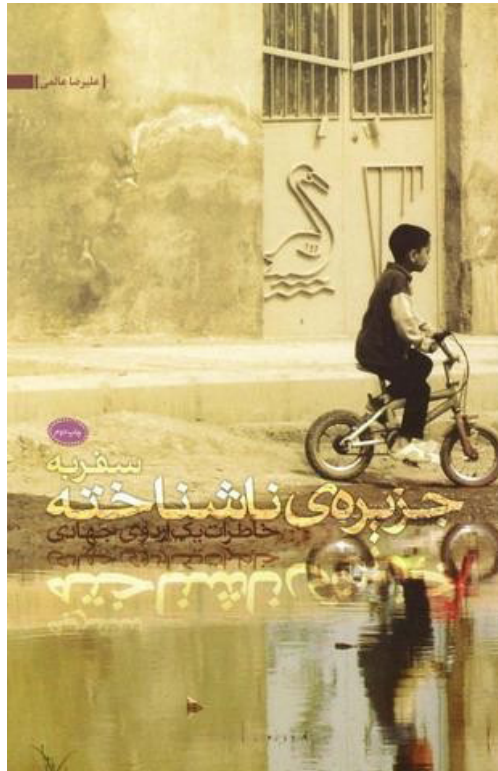
نویسنده در این کتاب پالتویی ۴۸ صفحه‌ای تلاش کرده با روایتی ملموس، خواندنی و گاه طنز همت جوانان دانشجوی کشور در رفع برخی نقاط ضعف های مدیریتی را به تصویر بکشد و به نوعی قصه ای مستند از پشت پرده حضور دانشجویان در یک روستای دورافتاده را روایت کند.

قصه ای از رنج مردمان نقاط مرزی، کم توجهی برخی مسئولین و تلاش های خالصانه مردمی که این بار در نمایی از یک اردوی جهادی - دانشجویی متبلور شده است.

از متن کتاب ص ۵۵:

یک نفر روی پشت بام یک چیزی را پرتاب میکرد بالا و می‌گرفت.

هیچ حدس خاصی به ذهنم



خطور نمی‌کرد!

کبوتری هم در آسمان نبود!

چه کار میکنی؟ چی چی پرت می‌کنی بالا؟

- موبایله!!!

گوشی را پرت می‌کرد بالا و اس ام اس هایی را که نرسیده بود، دریافت میکرد...

به نرده کلاس، یک پلاستیک آویزان کرده بودند که پر گوشی تلفن همراه بود. بعضی وقتها تو آن نقطه یک ذره آنتن میداد، آن هم نه برای تماس، فقط اس ام اس!

کتاب (۳) : "تخته های سفید"

به قلم: علی بهادری جهرمی / با مقدمه رضا امیرخانی

کاری از مجموعه دانشجویی ولی نعمتان

نویسنده در این کتاب نوع جالبی از اردوهای دانشجویی، سفر به مناطق محروم و عملگی و کار فرهنگی و ... زندگی شیرین جهادی در عصر جدید را به تصویر میکشد.

همچنین تلاش های بی وقفه بچه های جهادی در منطقه، بویژه جهت دهی آنها به سمت آموزش های علمی را با تمام حواشی و به کمک قلمی گیرا به تصویر کشیده می‌شود.

مخاطب در این کتاب روایتی از فعالیت های

خالصانه جهادگران و اشتیاق مردم بشاگرد را با خاطراتی کوتاه و جذاب به تماشا می‌نشیند. از مقدمه کتاب:

آن چه در بشاگرد دیدم، نوشتنی نبود، دیدنی هم نبود. چیز دیگری بود.

پارهای از این دنیا نبود که بگویمت قلم از توصیفش قاصر است.

بشاگرد قطعه‌ای از دنیای دیگر است که یله در زمین رها شده است. کسی که همه چیز را

می‌داند و می‌بیند، خواسته تا تکه‌ای از زمین را جور دیگری به ما نشان دهد. نه گمان بری که پوشش گیاهی‌اش را تغییر داده یا آسمانش را رنگ دیگری زده است. نه...

او تکه‌ای از زمین را خالی کرده است. جوری که هیچ پیرایه‌ای را برنتابد. خالی خالی. و همین خلأ پاکی آن را تضمین کرده است.

آدم‌هایی نحیف و لاغر اما دوست‌داشتنی، که آن‌سان بی‌چیزند که فقط آدمیت‌شان را می‌بینی. کت و شلوار و میایل و ساعت و اتومبیل و قرار قبلی و میز و دوران گذار و از این جنس مزخرفات، پاره‌ای اوقات به قدری دور و بر ما را شلوغ می‌کنند که در آینه خودت را پیدا نمی‌کنی. خرت و پرت‌ها گرداگردت را فرا می‌گیرند و خودت هم می‌روی لادست یکی از آن‌ها. اما مردمانِ بشاگرد را هیچ پیرایه‌ای در آغوش نگرفته است. فقط خودشان هستند. و خودشان ...

منابع و مأخذ

۱. خاطره نویسی - محمد حسینی
۲. درآمدی بر خاطره نویسی و خاطره گذشته‌ها در گستره ادب و مقاومت و فرهنگ جبهه - علی‌رضا کمری
۳. مسائل زبان شناسی نوین - دکتر محمدرضا باطنی
۴. زبان و تفکر - دکتر محمدرضا باطنی
۵. مقالات ادبی زبان شناسی - دکتر محمدرضا باطنی
۶. زبان شناسی و ادبیات - کورش صفوی
۷. زبان معیار و زبان شعر - احمد اخوت
۸. دانشنامه ادب پارس - حسن انوشه
۹. مقالات زبان شناختی - دکتر علی محمد حق شناس
۱۰. جمله و تحول آن در زبان فارسی - دکتر خسرو فرشید ورد
۱۱. پنج مقاله تئوری در ادبیات داستانی - گروه نویسندگان
۱۲. کتاب ماه غسل مجرد ها، سفر به جزیره ناشناخته، تخته های سفید
۱۲. وبلاگ تخصصی "برداشتی آزاد"، احمد سینتامهر
۱۳. WWW.RAHIANENoor.IR
۱۴. WWW.AFTABIR.COM
۱۵. JAHADI.PARSIBLOG.COM

